قسمت اول

گفتگوی اختصاصی خبرنگار ما با هنرمند عکاس حسین جباری در تبریز

عکاسخانه ای که بوی عطر شهدا را دارد

اشاره:
هنر عکاسی به دلیل پیشرفت تکنولوژی و دیجیتالی شدن دیگر آن جذابیت دوران قدیم را ندارد ولی آتلیه عکاسی حاج حسین جباری پور مثل زمان انقلاب و جنگ باز هم حال و هوای معنوی آن دوران را حفظ کرده است.
این عکاسخانه که از سال ۱۳۵۸ تاسیس یافته در زمان جنگ جزو فعالترین آتلیه های تبریز به شمار می رفت و هنوز هم به عکس های زمان جنگ و تصاویر شهدا و رزمند گان مزین است وتنها همدم و مونس حاج حسین تصاویر و عکس های شهدا می باشد که در زمان اعزام به جبهه در بحبوحه جنگ و یا به صورت پرسنلی در آتلیه خود گرفته است.
حاج حسین این عکاسخانه را رابط بین خود و شهدا می داند و بوی عطر شهدا و برادر شهیدش جعفر را که تنها کمک و دستیارش بود در آنجا استشمام می کند و دوربین های عکاسی فانوسی و یاشیکا و فیلمبرداری موجود در ویترین که بیشتر عکس هایش را با آن دوربین ها گرفته به عنوان شاهدان صادق نظاره گر تلاش های او می باشند.
اگر چه حاج حسین پا به سن گذاشته و آن چالاکی جسمی را ندارد اما عکس و عکاسخانه جزئی از زندگی پر فراز و نشیب اوست و تجهیزات آتلیه اش روز به روز کهنه می شود و مثل خود او قیمت و ارج مضاعفی می یابند.

عکاس آزاد

حسین جباری پور از جمله کسانی است که به عنوان عکاس آزاد لحظات بسیاری از صحنه های انقلاب در تبریز و صحنه های مربوط به جنگ تحمیلی را در قاب خاطره ها به ثبت رسانیده و می گوید : عکس های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس یک گنجینه ملی است و امروز در نهایت بی‌توجهی قرار گرفته وتنها تعداد اندکی از عکس های من از آن دوره ها در رسانه ها ونهادها مورد استفاده قرار گرفته وتعدادی را نیز خودم اسکن کرده ام ولی سرنوشت آرشیو آنها مشخص نیست و مکانی برای حفظ و نگهداری نگاتیوها در یک نهاد ومتولی خاص وجود ندارد.

دوست داشتم عکاس بشوم

وی افزود : در سال ۱۳۳۴ در شهر هریس که در آن موقع از توابع شهرستان سراب بود و اکنون یکی از شهرستانهای آذربایجان شرقی به شمار می رود به دنیا آمدم و با ارادتی که پدرم به اباعبدالله الحسین (ع) داشت نام حسین را بر من نهاد، دومین فرزند خانواده بودم و پدرم شغل کشاورزی و باغداری و دامپروری داشت و در کنار مشغله های روزانه بسیاری از کارهای مسجد محله را که خود بانی و مدیر آن بود انجام می داد، مادرم نیز مانند تمامی زنان منطقه علاوه بر خانه داری قالی بافی می کرد.

همراه برادر کوچکترم که یکسال فاصله سنی با من داشت پا به مدرسه گذاشتم، و با وجودیکه از نظر مالی تامین بودیم مانند بچه های این دور و زمانه از انواع و اقسام سرگرمی ها بر خوردار نبودیم و در کنار تحصیل در تابستانها در کارهای کشاورزی و باغداری به پدرم کمک می کردیم و بازیهای کودکانه ما خلاصه می شد در فوتبال در زمین خاکی با یک توپ پلاستیکی و دونوع بازی سنتی و محلی بنام پیل دسته و توپ عربی. ادامه تحصیلاتم پی در پی نبود و در سه دوره مختلف توانستم دیپلم بگیرم. سال ۴۷ که مدرک ششم ابتدایی را گرفتم به تبریز مهاجرت کردیم و در محله سرخاب خانه ای خریدیم که حیاط بسیار بزرگی داشت چون علاقه خاصی به درس و مشق نداشتم ترک تحصیل کردم، دوست داشتم عکاس شوم از قضای روزگار، روزی خاله ام یک دوربین معمولی ۱۲۰ از طریق خرید یک کیسه چای برنده شد و چون از علاقه من به هنر عکاسی خبر داشت دوربین را به عنوان هدیه به من داد و اولین عکس را از خاله ام گرفتم با وجودیکه این عکس سیاه و سفید بود عکس جالبی در آمد.

عکاسخانه که از سال ۱۳۵۸ تاسیس یافته در زمان جنگ جزو فعالترین آتلیه های تبریز به شمار می رفت و هنوز هم به عکس های زمان جنگ و تصاویر شهدا و رزمند گان مزین است وتنها همدم و مونس حاج حسین تصاویر و عکس های شهدا می باشد که در زمان اعزام به جبهه در بحبوحه جنگ و یا به صورت پرسنلی در آتلیه خود گرفته است.

سرنوشتم با هنر عکاسی گره خورد

هر روز با اشتیاق فراوان با آن دوربین عکاسی می کردم و در این فاصله با یک عکاسی در میدان ساعت تبریز مواجه شدم که نیاز به کارگر داشت. با مراجعه به عکاسخانه مدیر عکاسی آقای حاج احمد سعدین سئوالاتی از من کرد و از فردای آن روز با اشتغال در آن عکاسخانه، که یکی از عکاسخانه های بنام و مشهور تبریز بود سرنوشتم با هنر عکاسی گره خورد با اینکه در اوایل کارهای یدی انجام می دادم ولی کم کم در عرض چهار سال تقریبا با فوت و فن عکاسی آشنا شدم و در مهر ماه سال ۵۳ به خدمت اعزام گردیدم، بعد از اتمام دوره سربازی دوباره در همان عکاسخانه مشغول به کار شدم و از آنجاییکه مغازه عکاسی با مسجد شعبان یکی از پایگاههای فعال مبارزه با رژیم طاغوت فاصله چندانی نداشت نمازمغرب و عشاء را به امامت آیت الله قاضی طباطبایی در آن مسجد اقامه می کردیم.

عکاسی از صحنه های انقلاب

ودر سخنرانیهایی که در این مسجد بعد از شهادت حاج مصطفی خمینی و حوادث قم صورت می پذیرفت شرکت داشتم و کم کم این مسجد به یکی از پایگاه های ضد رژیم تبدیل شد. تا اینکه صبح روز ۱۷شهریور سال ۱۳۵۷ همراه فرزند آقای سعدین جهت طی یک دوره تعمیر و نگهداری دستگاه های فتوکپی عازم تهران شدیم به نزدیکیهای بستان آباد رسیده بودیم که راننده رادیو را باز کرد تا اخبار را گوش کند و اولین خبراین بود که در یازده شهر کشور حکومت نظامی اعلام شد. به تهران که رسیدیم می گفتند مزدوران رژیم در میدان ژاله با بالگردها مردم را به گلوله بسته اند. در شهر غریب کاری از دستمان بر نمی آمد طی دو ماه دوره های مربوطه را گذراندیم و به تبریز بازگشتیم.

آن موقع حضرت امام خمینی (ره) در نوفل لوشاتو اقامت گزیده بودند و گاها اعلامیه ها و عکس های ایشان به واسطه هایی بدستم می رسید و من نیز آنها را در عکاسی تکثیر می کردم و به هنگام سخنرانیها در لحظه ای که چراغها ی مسجد خاموش می شد به هوا پرتاب می نمودم تا به دست مردم برسد، روزها همینطوری سپری می شد. در اواسط بهمن ۵۶ که جهت یک دوره به تهران مراجعت کردم که مصادف بود با وقایع ۲۹ بهمن در تبریز. فردای آن روز در شرکت توشیبا در تهران مشغول به کار بودم که یکی از دوستان روزنامه ای در دست با هیجان آمد و گفت : حسین بیا ببین در تبریز چه خبر است! روزنامه ضمن چاپ خبرهایی از وقایع تبریز عکس ساختمان سوخته بانک صادرات در خیابان ثقه الاسلام را نیز چاپ کرده بود.

بعد از سپری شدن دوره به تبریز بازگشتم و اعتراضات خیابانی و راهپیمایی ها روز به روز گسترش می یافت و با وجودیکه عکس گرفتن ممنوع بود ولی دور از چشم مامورین و به صورت قاچاقی با استفاده از دوربین کوچک ۱۱۰ که می شد در جیب جا داد از بعضی از صحنه ها عکس می گرفتم و در تکثیر اعلامیه ها نیز فعالیت مستمر داشتم و یکی از این عکس های مهم مربوط به راهپیمایی عظیم مردم به سوی دانشگاه بود که بعد از چهار راه آبرسان در مقابل ساختمان تازه ساخت هلال احمر برادربزرگم یحیی از داربست های مقابل ساختمان بالا رفت و پوستر حضرت امام (ره) را در بالای ساختمان نصب کرد.

ادامه دارد...

اسماعیل هدایتی

قسمت اول

روایت آیت الله هاشمی رفسنجانی از عملیات مرصاد

اشاره:
آیت الله هاشمی رفسنجانی فرمانده دفاع مقدس از جمله کسانی است که از نزدیک با مسائل و مشکلات هشت سال جنگ تحمیلی آشنا بوده و خود دایره المعارفی از اسرار و ناگفته ها در مورد دفاع مقدس بوده است. وی در چندین سال آخر شریفشان سعی کرد تا خاطراتش را در برهه های مختلف زندگی‌اش برای عموم منتشر کند. آنچه از نظر خواهید گذراند خلاصه ای از نوشته های آیت‌الله هاشمی است که از روزهای عملیات مرصاد نوشته و حاوی نکات جالبی از این عملیات است.
رژیم بعثی عراق در روزهای پایانی جنگ تحمیلی خود علیه ایران، و پس از پذیرش قطعنامه از سوی ایران به حملات خود به خاک ایران ادامه داد و حتی آن را توسعه داد و با چنین اقدام خلاف قانونی سعی داشت که نقاط مهمی از جمله خرمشهر را به دست بیاورد تا با وضع بهتری در مذاکرات حضور داشته باشد. هرچند مقاومت جانانه نیرو های ایرانی که بعضا حتی بدون اطلاعات و تجهیزات کافی وارد درگیری با نیرو های عراقی شده بودند و بلافاصله صدور فرمان تاریخی امام خمینی (ره) باعث شد تمام محاسبات عراق به هم بریزد و در نتیجه موفقیتی در این راستا بدست نیاورد. در نهایت بعد از گذشت قریب به یک ماه از پذیرش قطعنامه، در نیمه شب ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ آتش‌بس میان ایران و عراق برقرار شد.

صبح روز جمعه سی و یکم تیرماه خبرهای بدی به گوش می رسد که عراق از شمال تا جنوب در اکثر محورها به خاک ایران حمله کرده است یعنی از جنوب در محور شلمچه به خرمشهر و از کوشک و طلائیه به جاده اهواز و خرمشهر، از هور در جاده های داخلی هور در میمک و سومار و قصر شیرین و حاج عمران که در قصر شیرین و سومار و جنوب خیلی نفوذ کرده است و ظاهرا روس ها هم تا پایان حل و فصل مسئله افغانستان موافق پایان جنگ میان ایران و عراق نبودند و حتی خبرهایی می رسد که حملات عراق با هماهنگی روس ها صورت گرفته است.

آخر شب خبر رسید که دشمن در خوزستان تا نزدیک مرز عقب نشسته یا عقب رانده شده است. درست روز بعد دکتر حسن روحانی با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره جنگ و برنامه‌های پیش رو مذاکره داشت و قرار شد که با شرکت در ستاد، نهادهای حوزه فرماندهی را تشکیل دهد و در اعزام نیرو و تقویت جبهه کمک کند.

وضعیت جدیدی در آن هنگام شکل گرفت و در ظهر همین روز خبر عقب رانده شدن دشمن از نزدیک خرمشهر و جاده اهواز با تلفات سنگین شنیده شد و محسن رضایی هم که خبر تعقیب دشمن تا مرز را تایید کرد.

اما اوضاع ناگواری که درباره فرماندهی نیروزی زمینی ارتش و ضعف فرماندهان در کنترل نیروها به گوش می رسید حکایت از این داشت که وضعیت نیروهای ارتش در جنوب و غرب اسف بار است و دشمن به راحت می توانست به هر جا که می خواهد برود.

از جبهه غرب، دشمن وارد شهر گیلان غرب شد و نیروهای رزمی مشغول سازماندهی آنها هستند و در این هنگام بود که بنا به پیشنهاد محسن میردامادی استاندارخوزستان، سازمان جنگ های نامنظم تحت امر سپاه و با حکم فرمانده سپاه تشکیل شد و لذا برای تنظیم و تدارک نیروهای متفرقه وارد شده به خاک خوزستان برنامه هماهنگی میان شورای پشتیبانی جنگ خوزستان و سپاه مشخص شد ودرست اواخر شب دوم مرداد ماه بود که محسن رضایی از خروج دشمن از پادگان اباذر خبر داد و اینکه سپاه توانست ضربات سنگینی در منطقه زید به عراقی هایی که وارد خاک ایران شده بودند وارد کنند و بر همین اساس سه تیپ منهدم شد و درست در مرزهای غربی ایران هم اخبار مشابهی هم شنیده می شد و اینکه دشمن در منطقه صالح آباد سرنی در ایلام علی رغم تلاش برای نفوذ و پیشرفت رو به جلو ضربه خورده و از پادگان اباذر رفته است؛ اما دشمن در گیلان غرب حضور دارد.

درباره حضور دشمن در گیلانغرب اخبار متناقضی در آن روز به گوش مقامات می رسید چرا که منابع سپاه اعلام کردند که شهر غربی فاقد وجود نیروهای دشمن است و حتی در منطقه سومار مشغول عقب نشینی هستند.

به گفته آیت الله هاشمی رفسنجانی گزارش هایی هم از قرارگاه نجف درباره تهاجم اخیرعراق به جبهه مرکزی و فرار و عقب نشینی های مفتضح ارتش و بعضی از واحدهای سپاه توضیحاتی ارائه شد که بسیار تأسف بار بود و تا جایی که مردم عشایر منطقه در جاده ها جلوی نیروهای دشمن را گرفته و حتی دستور سازماندهی سریع وهدایت نیروهای جدیدی از سوی آیت الله صادر شد و این در حالی بود که فرماندهان اصلی سپاه در جنوب کشور مستقر بودند در این هنگام بود که خبر پیشروی عراق از تنگه پاتاق به طرف کرند (غرب ایران) و خبر پیشروی نیروهای منافقین تا نزدیکی اسلام آباد که با به راه انداختن جنگ روانی درصدد تضعیف مردم عمل می کردند، به گوش رسید.

ادامه دارد...

منافقین و رویای پیروزی!

عید برنامه جشن سازمان مجاهدین (منافقین) از تلویزیون عراق شبکه فارسی ویژه منافقین پخش شد و مسعود و مریم رجوی صحبت می کردند و سال نو را تبریک میگفتند.

نیروهای آنها هم با لباس مخصوص و روسری های قرمز که روی سر زن ها بود باهم دست میدادند. مسعود رجوی بعد از تبریک گفتن عید گفت: حالا همه همدیگر را به نشانه دوستی می بوسیم!.

تلویزیون نشان نداد که همدیگر را می بوسند یا نه.

مجاهدین با این جور برنامه ها میخواستند بچه ها را به سمت خودشان بکشانند که البته گاهی هم موفق می شدند، اما در اکثر مواقع تیرشان به سنگ میخورد.

همان اوایل سال بود که مهدی ابریشمچی به اتفاق دو نفر دیگر به اردوگاه آمدند آنها برای جذب نیرو شروع به سخنرانی کردند. شعارشان این بود که «امروز مهران،فردا تهران»

میان صحبت هایش یکی از بچه ها بلند شد و گفت :«آقای ابریشمچی، شما همونی نیستی که زنت الان زن مسعود رجوی شده؟مگه قبلا زن تو نبود؟چی شد دادیش به مسعود!»

ابریشمچی که میخواست نشان بدهد خونسرد است، لبخندی زد:«این یک ازدواج تاریخی و برای نجات ایران بوده. مریم متعلق به یک نفر نیست، اون متعلق به سازمان آزادی بخش و حتی تمام ایران است!!»

اون دلیل می آورد و بچه ها مسخره اش میکردند منافقین از هر راهی وارد می شدند تا بتوانند بچه هارا جذب کنند. وعده های دروغین می دادند و گوش اسرا را با حرف هایشان پر می کردند.

یکی از بچه ها رفت و اسم خودش را نوشت.

به هر طریقی بود خودم را به او رساندم که گفتم: «تو دیگه چرا؟!»

«اسماعیل به خدا خسته شدم. دیگه نمیتونم»

«اشتباه می کنی، ما خیلی اینجا باشیم یک سال دیگه ست تو که تا حالا تحمل کردی،یک سال دیگه هم روش.»

خندید و نگاهی به ابریشمچی انداخت:«یه جوری میگی یک سال انگار یه روزه! »

آنقدر با اون حرف زدم تا راضی شد که برود و اسمش را خط بزند.

فردای آن روز قیس با عصبانیت سراغم آمد و گفت:«اسماعیل دیگه داری کاری میکنی که یه بلایی سرت بیارم. حواستو جمع کن توی کارایی که به تو ربطی نداره دخالت نکن. اگر نه،هرچی دیدی از چشم خودت دیدی!!»

بخشی از کتاب خاطرات شفاهی اسماعیل یکتایی لنگرودی از مجموعه «رقص روی یک پا»

آگهی فروش ملک ازطریق مزایده

شرکت‌دی‌درنظردارد‌به‌استنادمجوزشماره ۳۴۰ /۱مورخ ۲۲ / ۰۲ / ۱۳۹۷شرکت‌هلدینگ‌پایاسامان پارس تعداد ۴واحد آپارتمان‌باکاربری‌مسکونی‌واقع‌در‌تهران‌بزرگراه‌بعثت‌تقاطع‌بزرگراه‌امام‌علی(ع) جنب مجتمع تجاری زیتون به شرح ذیل ازطریق مزایده کتبی به فروش برساند.

ردیف	طبقه	موقعیت ملک	مساحت (مترمربع)	مبلغ میانگین (ریال)
۱	همکف	جنوب غربی میانی	۸۲/۸	۲،۸۶۲،۰۰۰،۰۰۰
۲	دوم	جنوب شرقی میانی	۶۹/۵	۲،۵۰۷،۰۰۰،۰۰۰
۳	چهارم	شمال شرقی میانی	۶۹/۵	۲،۶۷۶،۰۰۰،۰۰۰
۴	چهارم	شمال شرق	۸۱	۳،۱۲۲،۰۰۰،۰۰۰

۱-متقاضیان‌میتوانندنسبت‌به‌دریافت‌شرایط‌شرکت‌درمزایده وفرم پیشنهادقیمت ازروزسه شنبه مورخ۱۶ / ۰۵ / ۱۳۹۷تا۲۷ /۰۵ / ۱۳۹۷ازطریق مراجعه به دفترمرکزی به آدرس:تهران خیابان انقلاب اسلامی ،خیابان فخررازی ،بعدازچهاراه روانمهر،پلاک ۱۸ اقدام نمایند.
۲-زمان برگزاری مزایده‌روزیکشنبه‌مورخ ۲۸ / ۰۵ / ۱۳۹۷ درمحل دفترمرکزی‌می باشد.
۳- تاریخ‌بازدیدازاملاک‌مزبورروزچهارشنبه مورخ۲۴ / ۰۵ / ۱۳۹۷ ازساعت۱۴:۰۰الی ۱۸:۰۰می باشد.
تلفن تماس درساعت اداری ۴-۶۶۴۸۶۲۳۱ داخلی ۱۱۲

آگهی مناقصه و مزایده عمومی

دانشگاه ملایر در نظر دارد: اجاره غذاخوری های دانشگاه جهت تهیه مواد اولیه؛ طبخ و توزیع غذا؛ تعمیر و نگهداری تاسیسات و مدیریت و نگهداری سراهای دانشجویی دخترانه و پسرانه را به پیمانکاران واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید. لذا از پیمانکاران دعوت به عمل می‌آید درصورت تمایل از تاریخ انتشار آگهی جهت بازدید از محل به دانشگاه ملایر(کیلومتر۴جاده ملایر-اراک) مراجعه و برای دریافت اسناد مناقصه یا مزایده به سایت دانشگاه به آدرس www.malayeru.ac.ir و سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه نمایند.

ردیف	نوع پیمان	مبلغ ضمانت	مهلت شرکت	محل تحویل پیشنهاد	روز بازگشایی پاکت
۱	خرید مواد اولیه؛ طبخ وتوزیع غذا	۱/۲۹۵/۰۰۰/۰۰۰	۹۷/۶/۴	دفتر معاون توسعه و پشتیبانی	۹۷/۶/۵ ساعت ۱۰ صبح
۲	مدیریت و نگهداری سراهای دانشجویی دخترانه	۱۴۵/۳۵۰/۰۰۰	۹۷/۶/۴	دفتر معاون توسعه و پشتیبانی	۹۷/۶/۵ ساعت ۱۰ صبح
۳	مدیریت و نگهداری سراهای دانشجویی پسرانه	۷۴/۸۳۵/۰۰۰	۹۷/۶/۴	دفتر معاون توسعه و پشتیبانی	۹۷/۶/۵ ساعت ۱۰ صبح
۴	تعمیر و نگهداری تاسیسات	۱۹۳/۲۰۰/۰۰۰	۹۷/۶/۴	دفتر معاون توسعه و پشتیبانی	۹۷/۶/۵ ساعت ۱۰ صبح

شرایط و مدارک : ۱-تضمین شرکت در مناقصه یا مزایده به صورت ضمانتنامه بانکی یا چک بین بانکی در وجه دانشگاه. ۲-هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد. ۳- تاکید می گرددضمانتنامه،مدارک ورزومه کاری،قیمت پیشنهادی درسه پاکت مجزا دربسته ارائه گردد ۴-شرکت درمزایده یا مناقصه هیچ گونه حقی ایجاد نخواهد نمود و دانشگاه در قبول و رد هرکدام از پیشنهاد دهندگان و یا منتفی نمودن آن مختار است. ۵-پس از بررسی صلاحیت و توانایی شرکت کنندگان در مهلت مقرر و اعلام نتیجه، برنده مزایده یا مناقصه موظف است قرارداد را امضا نمایند، در غیر این صورت سپرده شرکت در مزایده یا مناقصه به نفع دانشگاه ضبط و قرارداد با برنده دوم منعقد می گردد. در صورت امتناع نفر دوم سپرده وی نیز ضبط و مزایده یا مناقصه تجدید خواهد شد.
* متقاضیان می بایست قبل از شرکت در مزایده یا مناقصه در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ثبت نام نموده باشند. روابط عمومی دانشگاه ملایر

آگهی مزایده

بدینوسیله به اطلاع میرساند: زمانبندی مزایده های‌عمومی بانک ملی ایران به شرح ذیل تمدید گردید .

شماره مزایده مرجع	شماره ثبت در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	شرح کالا	جمع قیمت پایه (به‌ریال)
۹۷/۵	۱۰۰۹۷۱۰۵۶۰۰۰۰۰۵	فروش تجهیزات رایانه‌ای مستهلک	۳/۷۴۸/۵۷۶/۰۰۰
۹۷/۶	۱۰۰۹۷۱۰۵۶۰۰۰۰۰۶	فروش ماشین‌آلات خط تولید کفش	۷/۵۰۶/۰۰۰/۰۰۰
۹۷/۷	۱۰۰۹۷۱۰۵۶۰۰۰۰۰۷	فروش ماشین‌آلات و تأسیسات خط کامل تولید آب‌میوه	۹۲/۵۴۳/۲۰۰/۰۰۰

متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر و شرکت در مزایده به سایت اینترنتی www.Setadiran.ir مراجعه نمایند .
آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت : ۹۷/۰۵/۲۷ ساعت ۱۴ - زمان بازگشایی : ۹۷/۰۵/۲۸ - زمان اعلام به برنده:۹۷/۰۵/۲۸

آگهی دعوت

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت مهندسین پاسارگاد سازه آپادانا (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۲۷۸۹۸۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۶۲۹۲۲ دعوت بعمل می‌آید که راس ساعت ۹ صبح مورخه ۹۷/۵/۳۰ در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده به نشانی تهران - محله نارمک - خیابان شهید سروان علی بختیاری خیابان جانبازان غربی - پلاک ۱۰۹ طبقه دوم واحد ۸ کدپستی ۱۶۴۸۶۴۵۸۹۱ تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند.
دستور جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده: ۱ - انتخاب اعضای هیئت مدیره ۲ - انتخاب بازرسین ۳ - انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
هیئت مدیره

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای سید حمید افتاده با تسلیم یک برگ استشهاد گواهی شده دفترخانه ۷۹ بهبهان مدعی است که سند ششدانگ پلاک ۱۰۲/۲۷۸ بخش دو بهبهان که در دفتر ۳۰ صفحه ۱۸۴ ثبت ۴۰۴۳ بشماره چاپی ۰۰۷۲۶۵۲ بنام سید حمید افتاده ثبت صادر و تسلیم گردیده است و بعلت جابه جایی منزل سند مفقود گردیده لذا بدستور ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب جهت اطلاع عموم یک نوبت آگهی می شود که هرکس مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشد می تواند ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض خود را با ارائه سند مالکیت به این اداره تسلیم، در غیر اینصورت پس از سپری شدن مهلت قانونی و عدم واخواهی سند مالکیت المثنی بنام مالک صادر خواهد شد. م/الف: ۸/۲۹۳
کاظمی- رئیس ثبت بهبهان

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی (بطور فوق‌العاده) نوبت دوم شرکت تعاونی مسکن فدک نور آ-غربی به تاریخ انتشار ۹۷/۵/۱۶ و شماره ثبت ۴۲۵۳

بنا به تصویب هیأت مدیره جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده نوبت اول شرکت تعاونی، رأس ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخه ۹۷/۵/۲۷ در محل بلوار والفجر، بالاتر از پمپ بنزین - خیابان دهخدا مسجد حضرت مریم(س) تشکیل می‌گردد، از عموم سهامداران و اعضاء محترم دعوت می‌شود جهت اتخاذ تصمیم راجع به موضوعات ذیل در روز و ساعت مقرر در محل تعیین شده حضور به هم رسانند و با توجه به مفاد ماده ۱۹ آیین‌نامه، نحوه تشکیل مجامع عمومی در صورتیکه حضور عضوی در مجمع میسر نباشد می‌تواند حق رأی خود را به موجب وکالتنامه به عضو دیگر یا نماینده تام‌الاختیار از میان اعضاء یا غیراعضاء واگذار نماید. در این صورت هر عضوی می‌تواند علاوه بر رأی خود حداکثر حق سه رأی با وکالت و هر شخص غیرعضو تنها یک رأی با وکالت تا یک روز قبل از تشکیل مجمع به غیر از ایام تعطیل در محل دفتر شرکت تنظیم شده و توسط هیأت مدیره و بازرس بررسی و تأیید گردد و در غیراینصورت وکالتنامه رسمی حضور در مجمع بایستی به تأیید یکی از دفترخانه‌های اسناد رسمی رسیده باشد.
دستور جلسه:
۱ - استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس
۲ - طرح و تصویب ترازنامه و سایر صورتهای مالی سال‌های ۱۳۹۴، ۹۵ و ۹۶
۳ - طرح و تصویب گزارش تغییرات سرمایه سالهای مالی ۱۳۹۴، ۹۵ و ۹۶
۴ - تصویب بودجه هزینه شده در سالهای ۱۳۹۵ و ۹۶
۵ - طرح و تصویب بودجه پیشنهادی هیأت مدیره برای هزینه‌های سال ۱۳۹۷
۶ - طرح و تصویب تحویل معابر و شوارع و فضای آموزشی و سبز و خدمات عمومی شهرک فجر، برابر توافقات با شهرداری و مصوبات شورای محترم شهر ارومیه
۷ - طرح و تصویب مبالغ هزینه شده در موارد پیگیری پرونده مطروحه اشخاص حقیقی و حقوقی و تفویض اختیار به مصالحه در صورت لزوم و پرداخت هزینه‌های مربوطه از جمله: محکومیت، حق‌الوکاله، هزینه تهیه اسناد و مدارک، هزینه‌های کارشناسی و غیره به میزان لازم و اجرا نمودن سایر پروژه‌های باقیمانده شرکت.
۸ - انتخاب ۳ نفر به عنوان هیأت تصفیه
هیأت مدیره شرکت تعاونی مسکن فدک نور آ- غربی

آگهی ابلاغ

شاکی حشمت‌الله کریمی فرزند مهدی شکوائیه‌ای علیه محمدعلی علی‌محمدی فرزند احمد به اتهام خیانت در امانت تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان بخش محمدیه شهرستان البرز نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو بخش محمدیه (۱۰۱ جزایی سابق) واقع در قزوین - محمدیه - گلستان ۱ بحر رجایی غرب ارجاع و به کلاسه ۹۶۰۹۹۸۲۹۷۷۸۰۰۹۰۶ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۷/۶/۲۰ و ساعت ۹:۳۰ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن متهم و درخواست شاکی و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا متهم پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.
مدیر دفتر شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو بخش محمدیه (۱۰۱ جزایی سابق)
اصغر اعتدادی

آگهی مزایده اموال غیر منقول

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۹۶۰۰۱۸۴ له بانک مهر اقتصاد علیه آقای علی رشید، ششدانگ یک باب خانه تحت پلاک ثبتی ۱۹۸۱ فرعی از ۱۳ اصلی بخش ۱۸ بستان آباد در خیابان امام، کوچه جانبازان، پلاک هفت، به مساحت ۱۸۴/۲۱ متر مربع و حدود آن شمالا: به طول ۶/۷۰ متر دیواریست به کوچه و درب ورود از این حد است، شرقا: به طول ۲۵/۲۵ متر دیوار به دیوار دوم قطعه تفکیکی، جنوبا: به طول ۶/۷۰ متر دیواریست به قطعه ۵۷ تفکیکی از ۳۱۹ فرعی، غربا: در سه جزء اول به طول ۶/۷۸ متر دوم به طول ۵/۱۵ متر دیواریست به باقیمانده پلاک ۳۱۹ فرعی از ۵۶ فرعی سوم به طول ۱۷/۳۰ متر دیواریست به کوچه بن بست می باشد. طبق نظر کارشناس رسمی در مورخه ۱۳۹۷/۰۲/۰۹ به مبلغ ۲/۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل دو میلیارد و پانصد و پنجاه میلیون ریال ارزیابی شده است. پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز یک شنبه مورخه ۱۳۹۷/۶/۱۹ (نوزدهم شهریور نود و هفت) در اداره ثبت اسناد و املاک بستان آباد، از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از مبلغ مذکور شروع و به بالاترین پیشنهادی نقدا فروخته می شود. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب و برق و گاز از اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد ، وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می گردد. ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد ، مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد.
افراسیاب فخری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بستان آباد

«آگهی حصر وراثت»

خانم مریم محمدی فرزند حسن به شماره ملی ۶۱۷۹۸۷۶۷۳۸ بشرح پرونده ۹۷۰۲۸۲ شعبه ۳۲ درخواست صدور گواهی انحصار وراثت نموده و توضیح داده است که: شادروان حسن محمدی فرزند محمد به شمارهٔ شناسنامه ۶۸ و کدملی ۶۱۷۸۷۲۳۸۶۵ صادره از خنداب در تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۰۳ در آخرین اقامتگاه دائمیش فوت شده و ورثه وی منحصر است به:
۱ – نورالعین محمدی فرزند حسین شمارهٔ ملی ۶۱۷۹۴۸۵۷۸۱ صادره از خنداب همسر متوفی
۲ – مصطفی محمدی فرزند حسن شمارهٔ ملی ۶۱۷۹۷۶۵۷۳۱ صادره از اراک پسر متوفی
۳ – ولی‌اله محمدی فرزند حسن شمارهٔ ملی ۶۱۷۸۷۲۵۷۰۱ صادره از اراک پسر متوفی
۴ – مجتبی محمدی فرزند حسن شمارهٔ ملی ۶۱۷۸۷۱۵۷۲۸ صادره از خنداب پسر متوفی
۵ – نسرین محمدی فرزند حسن شمارهٔ ملی ۶۱۷۸۷۲۵۶۹۸ صادره از اراک دختر متوفی
۶ – عفت محمدی فرزند حسن شمارهٔ ملی ۶۱۷۸۷۲۵۷۱۱ صادره از اراک دختر متوفی
۷ – عشرت محمدی فرزند حسن شمارهٔ ملی ۶۱۷۸۷۲۵۶۸۱ صادره از اراک دختر متوفی
۸ – کبری محمدی فرزند حسن شمارهٔ ملی ۶۱۷۹۶۷۷۶۸۹ صادره از خنداب دختر متوفی
۹ – اکرم محمدی فرزند حسن شمارهٔ ملی ۶۱۷۸۷۲۴۶۸۳ صادره از اراک دختر متوفی
۱۰ – فاطمه محمدی فرزند حسن شمارهٔ ملی ۶۱۷۸۷۲۴۶۷۵ صادره از اراک دختر متوفی
۱۱ – مریم محمدی فرزند حسن شمارهٔ ملی ۶۱۷۹۸۷۶۷۳۸ صادره از اراک دختر متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی، مراتب در یک نوبت آگهی تا هرکس اعتراض دارد یا وصیتنامه از متوفی نزد کسی باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف مدت یک ماه به این شعبه تسلیم نماید والا گواهی صادر و نیز وصیتنامه جز سری و رسمی که پس از موعد مذکور ابراز شود بلااعتبار است.
رئیس شعبه ۳۲ اداره شورای حل اختلاف شهرستان اراک

رونوشت گواهی حصر وراثت

آقای آرمین جلیلیان راد دارای شناسنامه شماره ۷۰۴ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۷۰۲۲۱ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حسن جلیلیان راد فرزند میرزا به شناسنامه شماره ۲۵۲ متولد سال ۱۳۱۵ در تاریخ ۱۳۹۵ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه آن مرحوم منحصر است به: ۱ – کیوان جلیلیان‌راد نام پدر حسن شماره شناسنامه ۳ متولد ۱۳۶۳ نسبت فرزند ۲ – کبری جلیلیان‌راد نام پدر حسن شماره شناسنامه ۲۵۸ متولد ۱۳۳۸ نسبت فرزند